

## (مقاله پژوهشی)

واکاوی قرائت‌های نظریه امر بین الامرین در نگاه متکلمین شیعه  
علی عزیزخانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۹

## چکیده

نظریه امر بین الامرین که نخستین بار از سوی ائمه معصومین (علیهم السلام) مطرح شد، هر دو نظریه جبر و تفویض را باطل و حقیقتی میان آن دو را اثبات می‌کند. قرائت‌هایی که از سوی متکلمین شیعی ارائه شده از قبیل، قدرت بخشی خداوند به انسان‌ها و بیان اوامر و نواهی؛ فعل انسان مشروط به اذن الهی و شرایط دیگر؛ شراکت انسان و خداوند در افعال انسانی؛ هدایت و توفیق الهی؛ اعطای قدرت از خداوند و اراده از انسان؛ اختیار امکانی؛ مجبور در غیر افعال تکلیفیه و مختار در امور تکلیفیه؛ مالکیت انسان در طول مالکیت خداوند، می‌باشد. قرائت‌های نامبرده در توضیح امر بین الامرین خواسته یا ناخواسته یا به کسب و یا جبر و یا به تفویض گرایش پیدا کرده‌اند و برخی هم از محل بحث خارج شده‌اند. از بین قرائت‌های ارائه شده از سوی متکلمین قرائت شیخ مفید (مالکیت انسان در طول مالکیت خداوند)، قرائت صحیح و روشنی می‌باشند و علامه طباطبایی قرائت شیخ مفید را به شکل صحیح تفسیر می‌کند و اراده انسان، جزء اخیر علت تامه می‌داند.

واژگان کلیدی: امر بین الامرین، متکلمین شیعه، جبر، تفویض

<sup>۱</sup>. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. a.azizkhani ۳۱۳@gmail.com

## مقدمه

بین جبر و تفویض مرز لطیف و دقیقی وجود دارد، نسبت خداوند به افعال انسان‌ها چگونه است؟ آیا او خالق افعال انسان‌ها هم هست یا خود انسان خالق افعالش می‌باشد؟ در این موضوع سه نظریه مطرح شده است: ۱- بعضی مانند معتزله به طور کلی خلقت افعال از سوی خداوند را انکار کرده اند؛ ۲- بعضی هم مانند اشاعره به طور کلی آن را قبول کرده‌اند؛ ۳- در مقابل این دو دسته امامیه است امری میانه این دو را پذیرفته است روایات بسیار زیادی از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) رسیده که فرموده‌اند: «لا جبر و لا تفویض بل امر بین امرین»، نه جبر، و نه تفویض، بلکه امری متوسط میانه این دو امر است (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱: ۱۶۰).

در مقابل نظریه‌های مذکور ائمه معصومین (علیهم السلام) حقیقت اختیار را در ورای جبر و تفویض دانسته‌اند، و اصطلاح «امر بین الامرین» از سوی ایشان مطرح شده است، از مطالعه روایات به دست می‌آید، که این نظریه نخست توسط حضرت امیر المومنین علی (علیه السلام) بیان شده است. «لَمَّا أُبَيِّتَ فَانَهَ أَمْرُ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ، لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِيضَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۵۷)، بعدها در عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) درباره نادرستی جبر و تفویض روایات بسیاری از ایشان نقل گردیده است.

از امام هادی (علیه السلام) نیز در زمینه جبر و تفویض و امر بین الامرین رساله‌ای نقل شده است. این رساله را علی بن شعبه حرانی از علمای شیعه در قرن چهارم هجری در کتاب خود نقل کرده است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش: ۴۶۹).

نظریه «امر بین الامرین» هر دو نظریه را باطل و حقیقتی میان آن دو را اثبات می‌کند، سوال این است که حقیقت امر بین الامرین چیست؟ فهم حقیقت امر بین الامرین خالی از دشواری نیست. در طول تاریخ اندیشمندان و متکلمان مسلمان با رویکردهای مختلف کلامی و حکمی و عرفانی به تفسیر این حقیقت روی آورده‌اند.

ملاصدرا در نقد معتزله می‌گوید: ایشان از لازمه سخن خود غافل شدند؛ چرا که لازمه سخن ایشان، اثبات شریکانی برای خداوند است؛ زیرا که همه وجودات را خداوند ایجاد

کرده است. اندیشه این گروه به مراتب بدتر از بت پرستان و ستاره پرستان است؛ چرا که آنها ستاره یا بت را شفعا نزد خداوند می دانستند (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۶: ۳۷۰).

نظریه جبر هم به بدهات عقل باطل است؛ لذا متکلمین اشاعره برای برون رفت از این اشکال از جبر فاصله گرفته و نظریه کسب را مطرح کرده اند. ابوالحسن اشعری و پیروان وی در بیان نظر خویش در بحث افعال انسان از این کلمه سود جسته اند. می گویند: فعل توسط خداوند ایجاد می شود، ولی خداوند همزمان با ایجاد فعل، قدرت و اراده را نیز در انسان پدید می آورد، ولی این قدرت و اراده در تحقق فعل و حدوث آن تاثیری ندارد و تنها نسبت آن با فعل، مقارنت زمانی است این مقارنت کسب نامیده می شود (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج ۸: ۱۴۶).

نظریه کسب نیز به اعتراف برخی از متکلمین اهل سنت چیزی غیر از جبر نیست. شعرانی در نقد کسب می گوید: قدرت انسان در این صورت بود و نبودش، یکسان است و این به مثابه عجز است. ابوبکر باقلانی نوعی تاثیر برای قدرت انسان قائل می شود و وقتی از وی کیفیت تاثیر قدرت انسان (در عین اینکه ملتزم به استقلال قدرت قدیم (خداوند) در خلق افعال است) سوال می شود، جوابی نمی یابی (سبحانی، ۱۳۸۱ش، ج ۳: ۱۴۴-۱۴۵).

متکلمین شیعه به تبع اهل بیت عصمت (علیهم السلام) در مقابل این نظریات، نظریه امر بین الامرین را مطرح کرده اند و در طول تاریخ اندیشه کلام قرائت‌های متفاوتی از آن ارائه داده اند. در این تحقیق به تحلیل و بررسی این قرائت‌ها پرداخته می شود.

### مفهوم شناسی

#### الف- جبر

جبر در لغت: تحمیل کردن، با زور فشار وادار نمودن؛ اصلاح چیزی به نحو قهری و با زور (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۸۹)؛ اگر اصلاح امری بدون قهر و فشار باشد، به خداوند جبار گفته می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۳).

جبر در اصطلاح به معنای نفی فعل اختیاری از انسان و انتساب همه افعال به خداست. شهرستانی ضمن بیان این مطلب جبریه را دارای اصنافی می داند که از آن جمله جبریه

خالصه و جبریه متوسطه هستند. گروه نخست برای انسان هیچ گونه قدرت و عملی قائل نیستند و تمام افعال انسان را به خدا نسبت می دهند. گروه دوم برای انسان قدرتی را اثبات می کنند، اما قدرت را در فعل او موثر نمی دانند (شهرستانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۸۵).

### ب- تفویض

تفویض در لغت مصدر فوض یفوض، به معنای رد کردن و واگذاری کاری به دیگری و حاکم قرار دادن او در امور است، همچنین مراد از تفویض در ازدواج تزویج بدون مهریه است (ابن اثیر، ۱۳۶۴ق، ج ۳: ۴۷۹؛ زبیدی، بی تا، ج ۵: ۷۱).

در متون دینی و علم کلام معانی متعددی برای تفویض گفته شده است، مانند: ۱- انسان، امور و تدابیر خویش را به خداوند وامی نهد و به او توکل می کند (غافر/۴۴)؛ ۲- آزادی انسان در تکالیف عملی (اباحی گری) (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۲۷)؛ ۳- آزاد گذاشتن پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) در افزودن امور شریعت- مانند افزودن تعداد رکعات نماز (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵: ۳۴۸)؛ ۴- سپردن اموری مانند خلقت جهان و روزی دادن و میراندن و زنده کردن مخلوقات به پیامبر و ائمه (علیهم السلام) از سوی خدا (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۲۴؛ مجلسی، ج ۲۵: ۳۴۷-۳۴۸؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۳۰۹). این معنا و معنای قبلی از تفویض معارض با روایات دیگر است و بیشتر در کتب غالیان در حق پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه موصومین (علیهم السلام) یافت می شود؛ ۵- تفویض به معنی شکر (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۲۴). اما آنچه محل نزاع در بحث جبر و اختیار می- باشد این است که آیا افعال بندگان از ناحیه خودشان می باشد، و فاعل و محدثی غیر از خودشان نسبت به این افعال وجود ندارد.

### ج- امر بین الامرین

در کتاب های لغت «امر» را این گونه معنا کرده اند: امر، نقیض نهی و یکی از امور مردم است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۲۹۷). دانشمندان برای واژه «امر» موارد استعمال فراوان ذکر کرده و مدعی شده اند که لفظ امر در این معانی استعمال شده است. مرحوم آخوند در کفایه به هفت مورد از موارد معنای امر اشاره کرده است: ۱- طلب؛ ۲- شأن؛ ۳- فعل؛ ۴- فعل عجیب؛ ۵- شیء ۶- حادثه؛ ۷- غرض ... اما آنچه که صاحب کفایه انتخاب کرده است،

می‌فرماید: که بعید نیست که ماده امر میان دو معنا مشترک لفظی باشد: ۱- به معنای شیء و ۲- به معنای طلب فی الجمله (خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۶۱-۶۲). نتیجه اینکه در لغت «امر بین الامرین»، امر به معنای شیء و الامرین دو شیء و چیز است، و مراد از امر بین الامرین، یعنی چیزی میان دو شیء (جبر و اختیار) است.

آموزه امر بین الامرین «لَا جَبْرَ وَ لَا تَفْوِیضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ» (کلینی، ۱۳۶۲ش، ج ۱: ۱۶۰؛ ابن بایوبه، ۱۳۹۸ق: ۲۰۶) که از سوی اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در افعال اختیاری انسان بیان شده است، و در حقیقت آموزه‌ای مستقل و دقیقی است که افعال اختیاری انسان‌ها را به درستی تبیین می‌کند. ائمه (علیهم السلام) ضمن رد نظریه جبر و نظریه تفویض، نظریه صحیح را جایگاهی میان جبر و تفویض دانسته‌اند، بدین معناست که از یک سو انسان‌ها مجبور نیستند؛ چرا که دارای قدرت و اختیارند، و از سوی دیگر نیز کارها به انسان‌ها تفویض نشده است؛ چه آنکه خداوند نیز نسبت به مقدورات آدمیان قادر است، بلکه مالکیت انسان در طول مالکیت خداست و خداوند نسبت به توانایی انسان، توانا تر است.

#### د- اختیار

اختیار در لغت مصدر و از ریشه «خ - ی - ر» به معنای اصطفاء (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۲۶۶) برگزیدن بهترین چیز و شخص و ترجیح یک چیز بر دیگر چیزهاست (سجادی، ۱۳۷۳ش، ج ۱: ۱۰۵).

اصطلاح اختیار در فلسفه و کلام معنایی مقابل اجبار دارد که با قدرت ملازم است. انسان در حال اختیار، اعمال خویش را بدون آنکه از سوی عامل دیگری تحت فشار قرار گیرد، از روی میل، علم و اراده انجام می‌دهد (مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۵ق: ۱۱) فیلسوفان در تعریف اختیار می‌گویند: اختیار یعنی اگر فاعل اراده کند که فعلی را انجام دهد بتواند آن را انجام دهد و اگر آن را اراده نکند، انجام ندهد (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۶: ۳۰۸). وی برای تحقق فعل اختیاری شش مرحله ارائه می‌کند. ۱- ادراک فعل؛ ۲- تصدیق به

ملایمت یا منافرت فعل با نفس؛ ۳- شوق؛ ۴- اجماع یا اراده؛ ۵- قوه محرکه؛ ۶- تحقق فعل در خارج (همان: ۳۰۸).

### قرائت‌های متکلمین شیعه و نقد آنها

یکی از اختلافات مهم و اساسی در تفسیر امر بین الامرین است. متکلمان مسلمان هر یک قرائتی ویژه از آن ارائه کرده‌اند، به طوری که در میان آراء گوناگون پذیرش تفسیر غلط با مشکل روبرو می‌شود. بنابراین ضمن طرح دیدگاه‌های مختلف و نقد آنها، نظریه مختار را ارائه می‌دهیم. قرائت‌های که از سوی دانشمندان و متکلمان شیعه در مورد امر بین الامرین ارائه شده است در هشت تفسیر ارائه می‌شود.

### قدرت بخشی خداوند به انسان‌ها و بیان اوامر و نواهی

شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) دو تفسیر ارائه کرده است. در تفسیر اول به اعتقاد شیخ مفید، معنای لا جبر و لا تفویض این است که خداوند تمام اشیاء را واجب نکرده و تمام آنها را هم مباح نکرده که افسار را به گردن خود انسان انداخته باشد، بلکه «امر بین الامرین» است، یعنی بعضی از آنها مباح و بعضی حرام است و به عبارت دیگر خداوند همه اشیاء را حتم نکرده و همه آنها را نیز مباح نکرده بلکه «امر بین الامرین» است، یعنی بعضی از آنها را حتم و بعضی را مباح فرموده است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۷). در تفسیر دوم «امر بین الامرین» به معنای اعطای قدرت به انسان در انجام افعال خود دانسته شده است؛ و همچنین به این معنا است که خداوند حدود افعال را مشخص کرده است (امر به انجام افعال حسنه) و اینکه انسان را به خودش واگذار نکرده است که هر فعلی خواست انجام دهد (انجام افعال قبیح)، پس در واقع خداوند به انسان قدرت انجام فعل را داده است، یعنی انسان خودش فعل را انجام می‌دهد (نفی جبر). و این طور نیست که هر فعلی خودش خواست انجام دهد (نفی تفویض).

نقد و بررسی: تفسیر اول شیخ مفید هیچ ارتباطی به روایت مذکور ندارد؛ شیخ تفویض را به معنای اباحه در افعال انسانی گرفته است و در اصطلاح کلامی تفویض به معنی اباحه اعمال نیست. نشان می‌دهد تفویض در روایات به معنی غیر مصطلح می‌باشد (سبحانی، بی- تا، ج ۳: ۴۸۱). علامه مجلسی نیز می‌گوید: سخن شیخ مفید گفته حقی است، اما حمل اخبار

بر این معنا خالی از اشکال نیست (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۰۱) تفسیر دوم در توضیح قرائت علامه طباطبایی خواهد آمد.

### فعل انسان مشروط به اذن الهی و شرایط دیگر

قاضی سعید (۱۰۱۲-۱۰۷۱ق) افعال انسان را به خودش منتسب می‌کند و از اینکه به خداوند منتسب کند پرهیز کرده است (خواه به طور حقیقی و مجازی). و در تفسیر امر بین الامرین به هفت شرط از قبیل مشیت؛ اراده؛ قدر؛ قضاء؛ اذن؛ لوح محفوظ و اجل تصریح می‌کند. افعال انسانی به این هفت شرط محقق می‌شود و این شروط حاکی از ربوبیت و سلطنت خداوند متعال است و همه اینها در روایات اهل بیت (علیهم السلام) بیان شده است (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۸۸-۱۸۹).

کلیات این هفت شرط و ویژگی‌ها در افعال انسان تحت تدبیر و سلطنت خداوند محقق می‌شود و لازمه این سخن این نیست، که افعال انسانی با واسطه یا بی‌واسطه به خداوند مستند می‌شود؛ زیرا کلیات این شرطها از لوازم الوهیت و ربوبیت حق تعالی است که جزئیات آن در انسان یافت می‌شود؛ چرا که وجود انسان از این شرایط تشکیل شده است و خارج از این شرایط و ویژگی‌ها نیست.

تعلق این شرایط مثل تعلق اراده انسان درباره دیگران نیست؛ چرا که این تشریک در مشیت است، یعنی مشیت خدا و مشیت انسان و این سخن در مشرب اهل توحید نیست. در اینجا یک مشیت بیشتر نیست و آن هم حقیقتاً برای انسان است، لکن یکی از مظاهر مشیت حق تعالی می‌باشد. و به این جهت آن را مشیت عزم نامگذاری می‌کند. و این همان سخن خداوند متعال است که در قرآن و روایات قدسی به آن اشاره شده است «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (انسان/۳۰)، و شما چیزی را نمی‌خواهید مگر اینکه خدا بخواهد. و یا در حدیث قدسی آمده است خدای (عز و جل) فرموده است «... ای انسان تو به مشیت و خواسته من می‌خواهی برای خودت آنچه را که می‌خواهی..» (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۱۹؛ قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۹۰-۱۹۱).

فاضل استرآبادی نیز مانند قاضی سعید قمی در توضیح معنای امر بین الامرین می‌گوید: امر بین الامرین به این معنا نیست که انسان هر کاری خواست انجام بدهد، بلکه در همه افعال خود علاوه بر اراده خودش به اذن جدید خدای متعال متوقف است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۰۶).

نقد و بررسی: علامه مجلسی این تفسیر را شبیه به تفسیر حق و صحیح می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۰۶؛ شبر، بی تا: ۱۵۴). در این تقریر روشن نیست، منظور از اذن، کدام اذن است، آیا اذن شرعی مراد است یا اذن تکوینی؟ آیا در اراده قضاء و قدر و اذن و ... اختیار انسان وجود دارد یا انسان در این امور مجبور است؟ اگر منظور اذن شرعی باشد، چنانچه ظاهر عبارت ایشان آن را می‌رساند، به تفویض منجر می‌شود و اگر تکوینی باشد جبر را نتیجه می‌دهد.

#### شراکت انسان و خداوند در افعال انسانی

علامه مجلسی (۱۰۷۳-۱۱۱۰ق) و علامه شبر (۱۱۸۸-۱۲۴۲) این قول را به برخی از افاضل نسبت داده‌اند، منظور از امر بین الامرین این است که اسباب نزدیک برای فعل، مانند اراده، علم، قدرت و وجود شخص به قدرت انسان برمی‌گردد. و اسباب دور، مانند آلات، اسباب، اعضاء و جوارح و قوا به قدرت خدا برمی‌گردد، بنابراین فعل با مجموع دو قدرت حاصل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۰۶؛ شبر، بی تا: ۱۵۴).

نقد و بررسی: الف- این تفسیر جمع بین جبر و تفویض است، یعنی در خصوص اسباب قریب تفویض و در مورد اسباب بعید جبر است. حال آنکه قول امام (علیه السلام) در امر بین الامرین چیزی است میانه که غیر از جبر و تفویض است نه این که مجموع آن دو باشد (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۷۹).

ب- تفویض به این معنا خلاف چیزی است که در فرهنگ روایی اهل بیت آمده است: اگر بنده خود را در اسباب قریب مستقل بداند، خود را شریک خداوند قرار داده است (همان: ۱۷۹). امیر المومنین علی (علیه السلام) در روایتی به این مطلب اشاره کرده است: «اگر گمان کنی همراه خدا قدرت داری (به صورت شراکتی) در این صورت پنداشته‌ای که



در ملک با او شریکی» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۳۵۳)، و روشن است که خداوند هیچ شریکی ندارد.

### هدایت و توفیق و خذلان الهی

علامه مجلسی (۱۰۷۳-۱۱۱۰ق) و محقق لاهیجی (م ۱۰۷۲ق) در آثار خود می‌نویسند: معنای امر بین الامرین همان توفیقات و هدایت‌های خدای متعال است که در افعال انسان‌ها طوری مداخلت و نقش دارد که انسان به حد اجبار و اضطراب نمی‌رساند، همچنان که خداوند در خذلان و گمراهی انسان و انجام معصیت و ترک اطاعت نقش دارد، اما به حدی نیست که انسان بر انجام معصیت و ترک اطاعت قدرت نداشته باشد انسان این امر را به طور وجدانی در درون خودش می‌یابد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۰۸؛ لاهیجی، ۱۳۸۳ش: ۳۲۸).

نقد و بررسی: الف- در توفیق و هدایت الهی نزاعی نیست، به این که خداوند به انسان‌ها توفیق عطا می‌کند، لکن نزاع در این است که آیا انسان در افعال خویش مستقل است آن طور که مفوضه بر آن عقیده هستند یا نه؟ اکتفا کردن به توفیق و هدایت، پذیرش قول مفوضه می‌باشد (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۷۷).

ب- اخبار زیادی از ائمه معصومین (علیهم السلام) در زمینه امر بین الامرین رسیده که حاکی از این است که انسان در افعال خود استقلال ندارد؛ چرا که در سخنی از امام رضا علیه السلام به این مطلب تصریح شده است «...هو المالك لما ملكهم و القادر علی ما أقدرهم علیه» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۶)، خداوند مالک چیزی است که بندگان را بر آنها مالکیت داده است و خداوند توانا بر چیزی است که بندگان را بر آن توانا کرده است.

ج- این نظریه از جبر فاصله گرفته است، لکن درباره امر بین الامرین چیزی نگفته است.

### اعطای قدرت از خداوند و اراده از انسان

ملا محمد تقی کاشانی (۱۲۳۶-۱۳۲۱ق) در تفسیر امر بین الامرین این طور می‌نگارد: مراد از میانه دو امر آن است که خدای تعالی بندگان را بر کارها مجبور نکرده است، بلکه بندگان با اراده خود هر کاری می‌کنند. اما قدرت داشتن آنها در همه افعال و دادن اسباب

مانند اعضاء و جوارح و قوای بدنی و روحانی که در هر کاری ضروری است و باقی گذاردن این اسباب همه از جانب خداوند عالم است و... و از این مقدار مدخلیت جبر لازم نمی آید (کاشانی، بی تا: ۱۷-۱۸).

نقد و بررسی: الف- این تقریر به گونه‌ای شبیه به یکی از تقریرهای اشاعره از کسب دارد، این تقریر که کسب را مقارنت فعل انسان با قدرت خداوند می‌داند (غزالی، ۱۹۹۳م: ۱۱۸؛ ایچی، ۱۳۷۰ش، ج ۸: ۱۴۵)، صرف همراه بودن کارها و اراده ما با کارهای خداوند، فعل از خدا صادر می‌شود، فقط چون ما آن فعل را اراده می‌کنیم، پس می‌شود گفت که این فعل مکسوب است. البته اشاعره اراده انسان را در فعل موثر نمی‌دانند و مقارنت اراده انسان با قدرت خداوند را کسب می‌گویند.

ب- اما کاشانی با مثالی که برای تفهیم امر بین الامرین بیان می‌کند، نقش اراده انسان را بیان می‌کند و نشان می‌دهد جبر در کار نیست و اراده انسان موثر است و با بیان این مثال از کسب اشعری فاصله می‌گیرد.

فرض کنید طاقچه بلندی باشد و کاسه آبی و کاسه شرابی بالای آن بوده باشد و دست کسی به آن طاقچه نرسد، پس آقایی غلام و بنده خود را بلند کند به طوری که دست غلام بر آن برسد غلام را نگهدارد و بگوید کاسه آب را بردار و کاسه شراب را برندار، اگر کاسه آب را برداری ده تومان به تو خواهم داد و اگر کاسه شراب را برداشتی با چوب تنبیهت می‌کنم و غلام به اختیار کاسه آب را برندارد و کاسه شراب را بردارد در این صورت اگر آقایش او را تنبیه نماید نمی‌تواند بگوید چرا مرا بلند کردی و نگه داشتی؟ اگر غلام این سخن را بگوید صاحبان عقل او را مذمت می‌کنند و می‌گویند تو به اختیار خود کاسه شراب را برداشتی.. از این قدر مدخلیت خدا جبر لازم نمی‌آید (کاشانی، بی تا: ۱۷-۱۸).

#### اختیار امکانی (امری میانه اختیار مطلق و بی اختیاری محض)

ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۵۴۵ق) در کتاب رسائل و مسائل، تفسیری ارائه می‌دهد که خلاصه آن از این قرار است: خدای متعال بر ایجاد هر چیزی که ممکن الوجود باشد قدرت دارد؛ از جمله امور ممکن، افعال انسانی است که به صفت قدرت و اختیار متصف باشد، پس چون وجود انسان، وجود امکانی است نه شبیه وجود صرف که وجود واجب متعال

است، و نه عدم صرف است، بلکه وجودی همراه یا مخلوط به عدم می‌باشد، قدرت و اختیاری که خداوند در انسان ایجاد کرده است، نه اختیار صرف و نه قدرت صرف است؛ زیرا اختیار صرف مختص پروردگار متعال است و از طرفی دیگر، چون بدیهی است که انسان دارای اختیار می‌باشد، بی‌اختیار صرف هم نیست، بلکه اختیار انسان امری میان اختیار مطلق و بی‌اختیاری محض است (نراقی، ۱۳۸۰ش، ج ۳: ۸۷-۸۸).

نقد و بررسی: به نظر می‌رسد ملا احمد نراقی به نحوی با این قرائت خواسته‌اند، بین جبر و تفویض جمع کنند و میان این دو امر را «امر بین الامرین» دانسته است.

### مجبور در غیر افعال تکلیفی و مختار در امور تکلیفی

برخی دیگر از دانشمندان، مانند ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۵۴۵ق) در تفسیر دیگر خود می‌گوید: مقصود از «امر بین الامرین» را اختیار در انجام تکالیف الهی و عدم اختیار در امور تکوینی، مانند مرگ انسان، فقر و نداریش و زیبایی چهره‌اش و غیره دانسته‌اند (همان: ۸۸).

نقد و بررسی: الف- این تفسیر به تفویض و استقلال در افعال تکلیفی اشاره دارد، یعنی انسان در افعال تکلیفی خود مستقل است و خداوند هیچ نقشی در آن ندارد، در حالی که با توجه نظریه «لا جبر و لا تفویض، بل امر بین الامرین» و توحید افعالی، تفویض در افعال انسان مردود است.

ب- با این تفسیر بین تفویض و جبر، جمع شده است، یعنی جبر به افعال غیر تکلیفی و تفویض مربوط به افعال تکلیفی مربوط است. در حالی که مراد از «امر بین الامرین» جمع بین هر دو نیست، بلکه چیزی است نه جبر و نه تفویض، در نتیجه این تفسیر پذیرفته نیست (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۷۹).

ج- نکته مهم اینکه جبر و اختیار درباره افعال تکلیفی است که با اراده انسان انجام می‌شود؛ امور تکوینی از بحث ما خارج است و مشمول بحث قاعده جبر و اختیار نمی‌شود. بنابراین این دیدگاه ناخواسته به تفویض گرایش پیدا کرده است.

### اراده خداوند زمینه‌ساز اطاعت و دوری انسان از معصیت

مکتب زیدیه که از فرق شیعه می‌باشد، انسان را مختار در اطاعت و عصیان می‌داند. در

اندیشه آنها، معصیت انسان از روی قهر نبوده، خداوند راضی به آن نیست؛ زیرا که خدا خالق افعال بشر نیست، بلکه انسان افعال خیر و شر را ایجاد می‌کند و از همین منظر عذاب یا پاداش می‌بیند (حسنی صفایی، ۱۴۱۵ق: ۷۹ و ۸۰؛ عارف، ۱۴۰۷ق: ۲۲۷).

در اندیشه زیدیان، قدرت موثر در اراده انسان را خداوند خلق می‌کند و هر انسانی در حیطه قدرتش اراده دارد تا اوامر خداوند را انجام دهد و از نواهی دوری نماید و در غیر این صورت، خداوند توان شناخت انسان مطیع از غیر مطیع را ندارد. نتیجه آن که اراده خداوند زمینه‌ساز تمکین ما از اطاعت و دوری از معصیت می‌شود. خداوند قدرت موثر را در ما قرار داده است، در حالی که خداوند کامل‌ترین قدرت‌ها است. این سخن معنی «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» است (صبحی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۲؛ زید، ۱۹۸۱م: ۱۷۴۷).

نقد و بررسی: این تقریر بیشتر همانطوری که به «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» تصریح کردند در صدد نفی جبر و تفویض است، اما در این که مقدار نقش خداوند در فعل انسان چقدر است، واضح و روشن نیست. و اگر فقط به زمینه‌سازی انسان در افعالش بسنده شود، در این صورت نقش خداوند در افعال انسان خیلی کم‌رنگ نشان داده شده است.

### مالکیت انسان در طول مالکیت خداوند (قرائت برگزیده)

علامه طباطبایی تفسیری را به شیخ مفید نسبت می‌دهد که در آثار وی وجود ندارد: مولای عرفی را فرض می‌گیریم، که دختر خود را به ازدواج یکی از غلامانش در می‌آورد زمین و خانه و اثاثی به او اختصاص می‌دهد. حال اگر گفته شود که مولا آنچه را که به ملک غلام خود در آورده است و او را مالک گردانیده است، آیا عبد و غلام می‌تواند مالک چیزی شود؟ اگر جواب منفی باشد، این همان سخن جبرگراها می‌باشد.

و اگر گفته شود مولا به اعطای مال و تملیک آن به عبدش، او را مالک قرار داده است و دیگر خودش مالک نیست، و عبد فقط مالک است. این همان سخن مفوضه و معتزله است. اما اگر دو ملکیت را با حفظ مرتبه مالکان آن جمع کنیم و برای مولا مقام مولویت و برای عبد مقام بندگی است و عبد در ملاک مولا مالک است، پس مولا مالک است در حین اینکه عبد هم مالک است در نتیجه ملکیت‌ها در طول یکدیگر است.

علامه طباطبایی می‌گوید: این تفسیر حقی است که روایات اهل بیت (علیهم السلام) آن را تأیید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۰۰). ایشان در توضیح نقش خداوند و انسان در افعال انسانی چنین می‌گویند: عمل اختیاری انسان از جهتی واجب، و از جهتی دیگر ممکن است، اگر از طرفی در نظر بگیریم که تمامی شرائط وجود یافتنش، از علم، و اراده و آلات، و ادوات صحیح، و ماده‌ای که فعل روی آن واقع می‌شود، و نیز شرائط زمانی و مکانیش همه موجود باشد، چنین فعلی ضروری الوجود، است، و اراده ازلیه خدا بر آن فعل تعلق گرفته، و مورد قضاء و قدر او است.

و اگر از طرفی همه شرائط نامبرده، مورد نظر نباشد، تنها فعل را با یکی از آن شرائط، مانند وجود فاعل، بسنجیم، البته در این صورت فعل ضروری نیست، بلکه ممکن است، پس فعل، اگر از لحاظ اول ضروری شد، لازمه‌اش این نیست که از لحاظ دوم نیز ضروری الوجود باشد. پس معلوم شد اینکه علمای کلام از بحث قضاء و قدر، و عمومیت آن دو، نسبت به همه موجودات، نتیجه گرفته‌اند که افعال انسان از روی اختیار نیست، معنای صحیحی ندارد، چون گفتیم اراده الهیه به فعل ما انسان‌ها تعلق می‌گیرد، اما با همه شئون و خصوصیات وجودیش، که یکی از آنها ارتباطش با علل و شرائط وجودش می‌باشد. به عبارتی دیگر، اراده الهی به فعلی که از زید صادر می‌شود، به این نحو تعلق گرفته، که فعل نامبرده با اختیار خود از او صادر شود، نه به طور مطلق، و نیز در فلان زمان، و فلان مکان صادر شود، نه هر وقت و هر جا که شد، وقتی اراده اینطور تعلق گرفته باشد، پس اگر زید همان عمل را بی اختیار انجام دهد، مراد از اراده تخلف کرده، و این تخلف محال است.

حال که چنین شد، می‌گوییم: تاثیر اراده ازلیه در اینکه فعل نامبرده ضروری الوجود شود، مستلزم آن است که فعل به اختیار از فاعل سر بزند، چون گفتیم: چنین فعلی متعلق اراده ازلیه است، نتیجه همین فعل مورد بحث ما نسبت به اراده ازلی الهی ضروری، و واجب الوجود است، و در عین حال نسبت به اراده خود فاعل، ممکن الوجود، و اختیاری است. پس اراده فاعل در طول اراده خداست، نه در عرض آن، تا با هم جمع نشوند

(همو، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۱۵۴-۱۵۵)

## نتیجه گیری

تفسیرهای که از سوی دانشمندان شیعه ارائه شده است، برخی از آنها، مانند تفسیر ملا محمد تقی کاشانی (کاشانی، بی تا: ۱۷-۱۸) در این حد است که جبر و تفویض را مورد نقد قرار می‌دهد و از جبر به ویژه کسب اشعری و تفویض فاصله می‌گیرد، اما در این که مقدار نقش خداوند در فعل انسان، چقدر است واضح و روشن نیست.

برخی دیگر، مانند علامه مجلسی و محقق لاهیجی، قرائتی که ارائه می‌دهند، هدایت و توفیق و خذلان الهی یعنی این که، توفیقات و هدایت‌های خدای متعال است که در افعال انسان‌ها طوری مداخلیت دارد که انسان را به حد اجبار و اضطرار نمی‌رساند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۰۸؛ لاهیجی، ۱۳۸۳ش: ۳۲۸)؛ لکن نزاعی در اینکه خداوند به بندگانش توفیق عطا می‌کند نیست، نزاع در این است که، آیا بنده در افعال خویش مستقل است آن طور که مفوضه بر آن عقیده هستند یا نه؟ اکتفا کردن به توفیق و هدایت پذیرش قول مفوضه می‌باشد.

برخی دیگر، مانند قاضی سعید انسان افعال خویش می‌داند و از اینکه افعال را به خداوند منتسب کند پرهیز کرده است (خواه به طور حقیقی و مجازی)، افعال انسانی به هفت شرط از قبیل مشیت؛ اراده؛ قدر؛ قضاء؛ اذن؛ لوح محفوظ و اجل محقق می‌شود و این شروط حاکی از ربوبیت و سلطنت خداوند متعال است و همه اینها در روایات اهل بیت (علیهم السلام) بیان شده است (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۸۸-۱۸۹). در این قرائت روشن نیست، منظور از اذن، کدام اذن است، آیا اذن شرعی مراد است یا اذن تکوینی؟

علامه مجلسی و شبر قرائت دیگری را نقل کرده‌اند، اسباب قریبه برای فعل، مانند اراده، علم، قدرت و وجود شخص به قدرت عبد برمی‌گردد. و اسباب بعیده، مانند آلات، اسباب، اعضاء و جوارح و قوا به قدرت خدا برمی‌گردد، بنابراین فعل با مجموع دو قدرت حاصل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۰۶؛ شبر، بی تا: ۱۵۳). این تفسیر به نوعی جمع بین جبر و تفویض است، یعنی در خصوص اسباب قریب تفویض و در مورد اسباب بعید جبر است (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۷۹).

متکلمین شیعه زیدیه امر بین الامرین را به زمینه‌سازی اطاعت و دوری انسان از معصیت الهی دانسته‌اند همانطوری که گفته شد این قرائت، نقش و دخالت خداوند در افعال انسانی را خیلی کم‌رنگ نشان داده است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، تفسیری را به شیخ مفید نسبت می‌دهد که بر خلاف تفسیر وی در کتاب تصحیح اعتقادات الإمامیه است. علامه این تفسیر بر حق دانسته است و می‌گوید: روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) آن را تأیید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۰۰). علامه طباطبایی قرائت مذکور را به شکل دیگری تقریر می‌کند که خلاصه آن این است: اراده فاعل در طول اراده خداون است، نه در عرض آن، تا با هم جمع نشوند. حاصل آنکه از بین تفسیرهای ارائه شده از سوی متکلمین شیعه، تفسیر شیخ مفید به روایت علامه طباطبایی تفسیری مطابق روایات اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد.

## منابع

## قرآن

- ابن اثیر، ضیاء الدین، (۱۳۶۴ق). *النهایه فی غریب الحدیث*، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق). *التوحید*، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۸ش). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان، چاپ اول.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ش). *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
- ابن قیم جوزیه، (۱۴۱۷ق). *شفاء العلیل فی مسائل القضاء و القدر و الحکمه و التعلیل*، بیروت: دار الجمیل.
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق). *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، تبریز: بنی هاشمی، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*، قم: ادب الحوزه.
- ایبجی، میر سید شریف، (۱۳۲۵ق). *شرح المواقف*، قم: الشریف الرضی، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۰ش). *شرح المواقف*، با شرح جرجانی، قم: منشورات شریف رضی.
- حمید الدین عبدالله بن محمد، (۱۴۲۰ق). *الزیدیه*، یمن: موسسه الامام زید بن علی الثقافه.
- حسن بن بدرالدین، (۱۴۲۲ق). *ینایع النصیحه فی العقائد الصحیحه*، صنعا: مکتبه بدر للطباعه و النشر و التوزیع.
- حسنی صفایی، قاسم بن محمد، (۱۴۱۵ق). *کتاب اکیاس عقائد الاکیاس فی معرفه رب العالمین و عدله و ما یتصل بذاک من اصول الدین*، صعده: مکتبه التراث الاسلامی.
- خرازی، سید محسن، (۱۴۱۷ق). *بدایه المعارف الالهیه*، قم: موسسه النشر السلامی، چاپ چهارم.
- خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ق). *کفایه الاصول*، قم: موسسه آل‌البتیت.
- ربانی گلپایگانی، علی، (۱۴۲۱ق). *الکلام المقارن*، قم: انتشارات دفتر نماینده رهبری در امور اهل سنت بلوچستان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم، چاپ اول.
- زبیدی، محمد مرتضی، (بی‌تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بی‌جا: الحیاه.
- زید، علی محمد، (۱۹۸۱م). *معتزله الیمن دوله الهادی و فکره*، بیروت: دارالعوده.
- سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۳ش). *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران: کومش.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۱ش). *الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف*، قم: موسسه الامام الصادق (علیه



السلام).

\_\_\_\_\_ (بی تا). *بحوث فی الملل و النحل*، قم: مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام)،

شبر، سید عبدالله، (بی تا). *مصابیح الانوار*، بغداد: مطبعه الزهراء.

شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، (۱۴۱۵ق). *الملل و النحل*، بیروت: دار المعرفه، چاپ چهارم.

شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۹۸۱م). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه*، بیروت: دار الاحیاء

التراث العربی.

صبحی، احمد محمود، (۱۴۱۰ق). *الامام المجتهد یحیی بن حمزه و آراءه الکلامیه*، بی جا: العصر

الحديث.

طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج*، مشهد: نشر مرتضی، چاپ اول.

طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی

جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

عارف، احمد عبدالله، (۱۴۰۷ق). *الصله بین الزیدیه و المعتزله*، صنعاء: المكتبة بیروت، دار آزال.

العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق). *نور الثقلین*، قم: نشر اسماعیلان، چاپ چهارم.

غزالی، محمد، (۱۹۹۳م). *الاقتصاد فی الاعتقاد*، بیروت: مكتبة الهلال.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.

فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر*، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم.

قمی، قاضی سعید، (۱۴۱۵ق). *شرح توحید الصدوق*، تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران: وزارت فرهنگ

و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.

کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۸۱ش). *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، شرح و حواشی احمد

رنجبر، تهران: امیر کبیر.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش). *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.

کاشانی، محمد تقی، (بی تا). *هدایة الطالبین*، چاپ سنگی.

گروهی از نویسندگان مجمع البحوث الاسلامیه، (۱۴۱۵ق). *شرح المصطلحات الکلامیه*، مشهد: آستان

قدس رضوی.

لاهیجی، عبدالرزاق، (۱۳۸۳ش). *گوهر مراد*، تهران: نشر سایه.

- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق). *بحار الأنوار*، ج ۲۵، بیروت: موسسه الوفاء.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
- مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق). *تصحیح اعتقادات الإمامیة*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- میرداماد، سید محمد باقر، (۱۳۸۱ش). *مصنعات*، به اهتمام عبدالله نورایی، تهران: دانشگاه تهران.
- محمد بن حسن بن قاسم، (۱۴۱۷ق). *سبیل الرشاد الی معرفه رب العباد*، تحقیق محمد بن یحیی عزان، بی جا: مکتبه الوحده.
- نراقی، ملا احمد، (۱۳۸۰ش). *رسائل و مسائل*، قم: کنگره بزرگداشت محققان نراقی، چاپ اول.

## Analyzing the Readings of "Amr Bin Amrin" from the Point of View of Shia Theologians

Ali azizkhani<sup>1</sup>

### Abstract

The theory of "Amr bin al-Amrin", which was first proposed by the divinely Imams (peace be upon them), proves both theories of predestination and abandonment to be invalid and the truth between them. Readings presented by Shiite theologians, such as God's empowerment to humans and the expression of commands and prohibitions; Human actions subject to divine permission and other conditions; partnership between man and God in human actions; Divine guidance and success; granting power from God and will from man; possible authority; forced in non-obligatory verbs and optional in obligatory affairs; The property of man is the property of God. The mentioned readings in the explanation of the matter between the willed or unwilled things have tended to be acquired or forced or delegated and some of them have been left out of the discussion. , the readings are correct and clear, and Allameh Tabatabai interprets Sheikh Mufid's readings in the correct way and considers the human will to be the last part of the cause of death.

Keywords: Amr bin al-Amrin, Shia theologians, predestination, abandonment

---

1 . Assistant Professor Educator of Islamic education, Karaj Branch, Islamic c Azad University, Karaj, Iran